



### نذر مکتبخانه

محمد وزیري | مدرس، محقق و نویسنده

در تهران قدیم مکتبخانه‌ها در میان مردم همپای اماکن متبرکه اعتبار داشتند و به همین دلیل اغلب بسیاری مکتبخانه‌ها نذر می کردند. سعید وزیری، نویسنده و پژوهشگر با اشاره به این موضوع تعریف می کند: «درجه اعتقاد مردم به مکتبخانه‌ها تا حدی بود که در گرفتاری‌ها بر آن نیت و نذر و نیاز کسره، مراد و حاجت می خواستند. نذرهای آنها، آش، پلو و حلوا بود که به طلاب می دادند. نیاز کودکان مکتبخانه‌ها شیرینی، شربت، میوه و وسایل درس و مشق مانند کتاب، کاغذ، قلم، دوات، رخت، کفش و کلاه عید، پیراهن و شلوار سیاه برای محرم بود که در نذورات مردم دیده می شد.»

### ثروتمندان به مکتبخانه نمی رفتند

یکی از رسم‌های جالب مردم تهران به ویژه خانواده‌های ثروتمند گرفتن معلم خصوصی یا معلم سرخانه برای باسواد کردن آنها بود. سعید وزیری می گوید: «خانواده ثروتمندان فرزندان خود را به مکتبخانه نمی فرستادند و برای آنها معلم خصوصی و سرخانه می گرفتند تا اطفالشان در خانه درس بخوانند و فرزندانشان تا پیش از ۱۸ یا ۲۰ سالگی جز برای شکار یا تیراندازی از خانه بیرون نمی رفتند.»

### آموزش دروس غیر قرآنی

پایه اصلی و مهم آموزش‌های مکتبخانه‌ای کتاب قرآن بود. اما در کنار قرآن، همه چیزها باید یکسری کتاب‌های دیگر مانند حفظ و گسستان سعدی و... را می خواندند. «سعید وزیری» در این باره توضیح می دهد: «دروسی که در مکتبخانه برای شاگردان تدریس می شد غیر از آموزش‌های قرآنی، صرف و نحو، مطالعه متون مذهبی، دروسی همچون موش و گربه عید یا زکاتی، دیوان شعرایی مانند سعدی و حافظ، گلستان سعدی، جامع عباسی، ابواب الجنان، تاریخ نادری، تاریخ معجم، نان و حلوا یا شیخ بهایی، پندنامه عطار و حیل‌المؤمنین علامه محمدباقر مجلسی بود.»

### تحصیل برای دختران ممنوع بود

در تهران قدیم و سیستم مکتبخانه‌ای، دختران حق ادامه تحصیل نداشتند و فقط باید خواندن قرآن را یاد می گرفتند اما ماجرا برای پسرها متفاوت بود و آنها می توانستند تا مراحل بالاتر در صورت تمایل ادامه تحصیل دهند. سعید وزیری می گوید: «البته نظام آموزشی به گونه‌ای بود که پسران می توانستند در صورت داشتن استعداد به مراحل بالاتری بروند و در نهایت به مدرسه علمیه بروند و فقه و اصول را تکمیل کنند. برای دختران راه یافتن به مدارس علمیه ممکن نبود. مردم اگر دختران خود را به مدرسه می فرستادند برای این بود که قرآن بخوانند و با بعضی از مسائل دینی آشنا شوند. در این مکتبخانه‌ها، گاهی کتاب‌هایی مانند نوحه عذاری خوانده می شد.»

### خواهران دوقلو، تنها دختران مدرسه پسرانه

ناز تاب سالور، برای بسیاری از قدیمی‌های شمیران نامی آشناست. مریم سالور می گوید: «ما درم، ناز تاب سالور و خاله‌ام، فرانک، دوقلو و نخستین دخترانی بودند که در مدرسه شاهیور تجریش که اکنون به نام جلال آل احمد است، درس می خواندند. آنها تنها دخترانی بودند که به دلیل شرایط آن روزهای تجریش توانستند در مدرسه پسرانه درس بخوانند. آن زمان وسیله آباب و ذهاب مثل الان نبود و تجریش هم منطقه‌ای سردسیر و پر بارش بود. مادر و خاله‌ام نمی توانستند برای درس خواندن به تهران بروند. به همین دلیل شوهر عمه‌شان، آقای حسابی که رئیس آموزش و پرورش بود، مجوز تحصیل آنها را از آموزش و پرورش می گیرد و به این ترتیب، راه تحصیل دیگر دختران هم باز می شود. بعدها مادر و خاله من هر دو معلم می شوند. خاله‌ام فرانک، تغییر رشته داد و در رشته طراحی بار چه فعالیت کرد، اما ما درم شغل معلمی را ادامه داد و سالیان سال مدیر مدارس شمیران بود.»



## پای تخته‌سیاه تهران قدیم

### سیزدهمین نشست مرکز تهران شناسی همشهری به بررسی داستان شکل‌گیری نخستین مدارس پایتخت و جذاب‌ترین نکات آن اختصاص داشت



داستان شکل‌گیری نخستین مدارس تهران قصه‌ای است پر فراز و نشیب؛ از شیوه آموزش سنتی و آداب و قواعد خاصی که مکتبخانه‌ها برای سوادآموزی داشتند تا نخستین مدارس نوین پایتخت که رد پای چهره‌های بزرگ سیاسی، فرهنگی و حتی خارجی در تأسیس آنها دیده می شود. سید دهمین نشست مرکز تهران شناسی همشهری که با عنوان «پای تخته‌سیاه تهران قدیم»

### دختر حکیم‌باشی؛ خاتون معارف ایران

در روزگاری که امکان تحصیل برای همه اقشار جامعه به‌ویژه دختران فراهم نبود و بسیاری از آنها به دلیل تفکرات عامیانه رایج اجازه تحصیل در مدارس نداشتند، بانو «بدولجی (مهرناج) رخشان» پیشگام راهاندازی مدارس دخترانه عنوان «المدراس» در دل دارالخلافه شد. سعید وزیری از آموزگاران قدیمی شهر تهران، پژوهشگر و نویسنده کتاب «خاتون معارف ایران» که زندگینامه این بانو است، می گوید: «مهرناج

### آداب معلمی در مکتبخانه

### استادانی که اخراج نشدند

مکتبخانه‌ها یکی از نخستین و مهم‌ترین نهادهای آموزشی ایران و در رأس آن دارالخلافه تهران بودند و به همین دلیل برای مکتبداران یکسری آداب و قواعد خاصی تعریف شده بود. سعید وزیری به بخشی از این اصول اشاره می کند: «معلم باید برای رضای خدا به کار تعلیم و تربیت بپردازد و طمع به مال و مقام نداشته باشد، در برپاساختن دین و آداب مذهب بکوشد و خرافات را از بین ببرد، مطالعه متون مذهبی، دروسی همچون موش و گربه عید یا زکاتی، دیوان شعرایی مانند سعدی و حافظ، گلستان سعدی، جامع عباسی، ابواب الجنان، تاریخ نادری، تاریخ معجم، نان و حلوا یا شیخ بهایی، پندنامه عطار و حیل‌المؤمنین علامه محمدباقر مجلسی بود.»

### یادگار ماندگار باغچه‌بان

مدارسی که توسط مرحوم جبار باغچه‌بان و دخترش مریم ثمنین باغچه‌بان ساخته شد، گام بلندی برای سوادآموزی و تحصیل کودکان ناشنوا بود. آنها در تبریز و تهران مدارسی برای کودکان ناشنوا ساختند و نیت خیر آنها نخستین گام و الگویی برای دیگر خیران مدرسه‌ساز شد تا برای تحصیل این قشر قدیمی بردارند. محمود منیعی می گوید: «باغچه‌بان که نخستین کودک‌گسستان ایران را در تبریز با عنوان «باغچه اطفال» تأسیس کرد و به «باغچه‌بان» معروف شد، سال ۱۳۱۲، حدود یک دهه پس از ساخت نخستین آموزگاه ناشنویان ایران در تبریز، دومین آموزگاهش را این بار در محله یوسف‌آباد تهران راه‌اندازی کرد. آن آموزگاه ۳۹ دانش‌آموز داشت و به تدریج به تعداد دانش‌آموزانش افزوده شد.»



### نخستین هنرستان دخترانه تهران

میرزا سید کریم خان، سردار فیروز کوهی، مشهور به منتظم‌الدوله از نظامیان دوره قاجار بود که مثل بیشتر قاجاری‌ها سفرهای مکرری به کشورهای اروپایی و به‌خصوص فرانسه داشت. او در یکی از سفرهایش به فرانسه با مدرسی که در کنار دروس تنوری، حرفه و فن را به دانش‌آموزان آموزش می دادند آشنا شد و در بازگشت به ایران یکی از همین مدل مدرسه‌ها را ایجاد کرد. منتظم‌الدوله در سال ۱۲۷۷ شمسی دبستان دخترانه فیروز کوهی

### سکان‌دار کتاب‌های درسی دوران متوسطه

در میان استادانی که در حوزه تعلیم و تربیت نقش داشتند، مرحوم عبدالعظیم قریب گرکانی چهره‌ای ماندگار و اثرگذار است. آل‌عوض درباره اقدامات او می گوید: «یکی از جدی‌ترین ایرادات محتوایی کتاب‌هایی که در مکتبخانه‌های تهران تدریس می شد این بود که در قصه‌های عامیانه آنها نیمی از جمعیت ایران به‌عنوان جماعتی پرده‌نشین و متأسفانه‌کننده تعریف شده بودند. این نگاه اما کمی بعد با تلاش افرادی چون مرحوم عبدالعظیم قریب گرکانی تغییر کرد، او یکی از مهم‌ترین



استادان نظام آموزشی ایران بود که با نوشتن کتاب فرآیند ادب به‌مدت ۳۰ سال سکان‌دار کتاب‌های درسی دوران متوسطه شد. این کتاب در ۵ فصل و ۷۶۰ صفحه علاوه بر علم آموزی، دانش‌آموزان را به مهارت‌آموزی تشویق می کرد. او در این کتاب که سال ۱۳۳۵ قمری منتشر شد نصایح ارزشمندی آورده است از جمله اینکه: وطن خود را دوست بدارد و در خدمتگزاری به آن از جان و مال دریغ مدارد؛ در تحصیل علم بکوشید و دقیقه‌ای غفلت موزید که مردم بی‌علم در شمار مردگاند و...»

### سکان‌دار کتاب‌های درسی دوران متوسطه

در میان استادانی که در حوزه تعلیم و تربیت نقش داشتند، مرحوم عبدالعظیم قریب گرکانی چهره‌ای ماندگار و اثرگذار است. آل‌عوض درباره اقدامات او می گوید: «یکی از جدی‌ترین ایرادات محتوایی کتاب‌هایی که در مکتبخانه‌های تهران تدریس می شد این بود که در قصه‌های عامیانه آنها نیمی از جمعیت ایران به‌عنوان جماعتی پرده‌نشین و متأسفانه‌کننده تعریف شده بودند. این نگاه اما کمی بعد با تلاش افرادی چون مرحوم عبدالعظیم قریب گرکانی تغییر کرد، او یکی از مهم‌ترین



### نخستین مدرسه‌ای که آزمون ورودی می گرفت

مدرسه سپهسالار یکی از مدارس تهران بود که سهم بسزایی در نظام آموزشی و تربیت چند نسل از دانش‌آموزان تهرانی داشت. آل‌عوض درباره ویژگی‌های این مدرسه می گوید: «یکی از چهره‌هایی که برای ایجاد تحول در نظام آموزشی بسیار تلاش کرد، مرحوم میرزا حسین‌خان سپهسالار بود. او مدرسه سپهسالار را برای تحصیل دانش‌آموزان تهرانی راه‌اندازی کرد. ابتدا در این مدرسه هم علوم جدید و هم علوم قدیم تدریس می شد اما به تدریج با توسعه دانشگاه‌ها دروسی که در این مدرسه به دانش‌آموزان تدریس می کردند نیز بر اساس نظام جدید آموزشی تغییر کرد. به عبارت دیگر، این مدرسه سپهسالار بود که با برگزاری آزمون ورودی، قدم اول را برای ایجاد نظم و نظام منسجم‌تر در نظام آموزشی برداشت. برای نخستین بار در نظام آموزشی، مدرسه سپهسالار برای تحصیل دانش‌آموزان در یک رشته خاص از آنها آزمون ورودی می گرفت.» آل‌عوض ادامه می دهد: «با همین روش، بسیاری از چهره‌های برجسته فرهنگی و علمی کشور مانند جلال همایی، مرحوم فروزانفر و... به این مدرسه وارد و از آن فارغ‌التحصیل شدند.»

### راه‌اندازی مدارس و کودکستان توسط زنان

بانوان تهرانی در یک دوره تاریخی پیشقراول تحصیل و راه‌اندازی مراکز آموزشی بوده‌اند. سعید وزیری، مدرس، محقق و نویسنده درباره بانوانی که نام‌شان به همین دلیل در تاریخ پایتخت ماندگار شده می گوید: «یکی از زنان پیشرو در ایجاد مدارس پایتخت «ربابه مرعی» بوده که مشتاق تحصیل بود و یک مدرسه دخترانه در دوره قاجار ایجاد کرد. این مدرسه ۱۳ سال دوام آورد. «درالمعالی»، دختر ربابه مرعی هم راه‌مادرش را ادامه داد و مدرسه مخدرات را ایجاد کرد. «طوبی رزیده»، همسر میرزا حسن رزیده یکی دیگر از زنانی است که سال ۱۲۸۲ شمسی مدرسه‌ای به نام پرورش ایجاد کرد که فقط ۴ روز دوام آورد و مردم که آن موقع مخالف تحصیل دختران بودند آن را تخریب کردند. طوبی رزیده ۷ سال بعد کارش را با مدرسه عفاف ادامه داد که مدت زیادی دوام آورد. «ملکه بقایی» هم در سال ۱۳۰۰ نخستین کودکستان را در تهران ایجاد کرد.»

### نخستین مدرسه دخترانه تهران

نام «طوبی آرموده» با تأسیس نخستین مدرسه دخترانه در تهران پیوند خورده است. در دوران قاجار زمانی که نه مکتبخانه و مدرسه به اندازه کافی وجود داشت و نه تحصیل دختران در برخی فرهنگ‌ها پذیرفته بود، طوبی آرموده نیز مثل بسیاری از دختران با استخدام معلم سرخانه در محیط خانه درس خواند. در سال‌های مشروطه، با همراهی چند بانوی مصمم دیگر، نخستین مدرسه دخترانه تهران را در سال ۱۲۸۶ هجری شمسی تأسیس کرد. او نام این مدرسه را «بیستان ناموس» گذاشت و با تلاش او و استقبال خانواده‌ها بود که کمی بعد شمار مدارس دختران پایتخت به ۶ مدرسه رسید. کمی بعد او در مدارس خود شرایط تحصیل دختران را مطلقاً دبیروستان را هم فراهم کرد. می گویند تنها ۱۸ سال پس از تأسیس مدرسه ناموس و ۵ مدرسه دیگر، هزار و ۵۰۰ دختر تهرانی از نعمت سواد بهره‌مند شدند.



## تاریخچه شکل‌گیری مدارس نخبه‌پرور

اردشیر آل‌عوض | محقق فرهنگ عامه

برخی مدارس تهران در دوره پهلوی دوم قوام پیدا کردند و در مسیر نخبه‌پروری قرار گرفتند. آموزش و پرورش در سال ۱۳۲۲ و بر اساس مصوبه مجلس شکل گرفت اما ساختار مینوی داشت. مدارس دولتی از همان موقع یکی پس از دیگری تأسیس شدند. یکی از آنها مدرسه کمال در شرق تهران بود که افسراد معرفی آنجا تحصیل کردند. دبیرستان دولتی فرخی در جنوب شهر از همین مدارس بود که با گذشت زمان و به‌علت مهاجرت نخبه‌های جنوب ششهر به شمال ششهر دچار رکود شد. هنرستان حافظ، پشت امامزاده‌بید (ع)، هم جایی برای تحصیل نخبه‌های جنوب‌شهر بود. دبیرستان مروی در کوجه مروی هم جزو مدارس نمونه و نخبه‌پرور تهران بود که در سال ۱۳۲۷ به حوزه علمیه شماره ۲ مروی تبدیل شد. مدارس ملی جزو مدارسی بودند که با نیت آموزش با کیفیت تر شکل گرفتند و بعضی از آنها، رنگ و لعاب اسلامی داشتند. مدرسه علوی و مدرسه رفاه را هم می توانیم در زمره همین مدارس ملی قرار بدیم که دانش‌آموزان را با مسائل دینی آشنا می کردند. نهضت ایجاد و راه‌اندازی مدارس نخبه‌پرور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم ادامه پیدا کرد.

مدارس غیرانتفاعی اما جدیدترین مدل ایجاد مدرسه با نیت نخبه‌پروری و کیفیت آموزش بالاتر در پایتخت است. مدارس سلام را می توان جزو پیشقراولان ایجاد مدارس غیرانتفاعی در تهران دانست. مدرسه فرهنگ که ویکرودش پاسداشت فرهنگ پارسی است در زمره همین مدارس قرار دارد. مدرسه شرف‌الدین هم برگرفته از اندیشه‌های مرحوم محمدضا حکیمی است که رویه‌روی دانشگاه تهران واقع شده.



مدارس تیزهوشان، مدارس شاهد و مدارس ایثارگران هم در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب در تهران ایجاد شدند. مدارس اختصاصی وابسته به سازمان‌ها هم مدل جدیدی است که در دوره معاصر ایجاد شده. از نمونه‌های این مدل مدارس می توان به مدرسه سما، وابسته به دانشگاه آزاد و مدرسه متقی، وابسته به سازمان اوقاف نام برد. مدارس بین‌المللی و تطبیقی با مدارس ایرانیان خارج از کشور هم برای کارکنان سفارتخانه‌ها و فرزندان آنها و همه کسانی که در خارج از کشور زندگی می کنند و می خواهند در مدرسه فارسی‌زبان تحصیل کنند راه‌اندازی شد. مدارس فیک هم مدل جدیدی است که عمر آن در تهران به ۳۰ سال می رسد و در این مدارس علاوه بر فلسفه ۱۸ نوع مهارت به دانش‌آموزان آموزش داده می شود. مدارس فیک، معلم‌محور نیست و گفت‌وگو محور است. توصیه من به پدر و مادرها این است که یک‌بار کتاب‌های آسان این مدل آموزشی را بخوانند.